

«ام‌القری» پایگاه جهانی «امت وسط»

ابوالفضل خوش منش^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۱/۱۳ - تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۴/۱)

چکیده

تعیین یک مرکزیت دینی و برگزیدن و تربیت امتی منسجم را می‌توان هدف اغلب بلکه تمام ادیان گذشته دانست. ما این موضوع در مورد «آیین» و «امت اسلام» شکل کامل‌تری یافته و خدایی که منشأ «عدل» و «حق» و «وسطیت» است، «مرکزیت»ی را به نام مادر شهرها یا «ام‌القری» معین کرده است. همو انسانی را که «حفگرا» و «تسلیم» امر وی و نیز دعوت‌کننده به سوی «ملت» و «آیین حنیف فطرت» و دور از افراط و تفریط راست و چپ است، فرمان داده است تا در مادر شهرها و «ام‌القرآ»ی مورد اشاره، «بیت»ی را برای او بسازد و آن را تطهیر و تقدیس کند تا در کنار همین «بیت»، پیامبر اعظم (ص) با «شریعت خاتم» ظهور کند و با تعلیم و تربیت خود، «امت وسط» را پدید آورد. «بیت» مورد اشاره که خود در مرکزیت مادر شهرها قرار گرفته است، حائز شرایط ویژه‌ای از جمله اولویت و تقدم دیرینه، ملجأ امن بشر در طول تاریخ، طهارت ظاهری و باطنی و محل آخرین بخش از تاریخ آیینی و ظهور منجی موعود است. «امت وسط»، به برکت مجموع آنچه بدو داده شده است، عهده‌دار وظایف و مسئولیت‌های مهمی می‌شود که از آن جمله است: نظارت بر اعمال دیگر امت‌ها و شهادت دادن بر آن، الگو بودن برای آن‌ها و مشارکت بارز در بسط معنویت و صلح و سلام جهانی. این مسئولیت در زمان حاضر که عصر سرخوردگی‌های انسان معاصر است و از الگوی مدنیت اسلامی و طرحی سالم و کارا برای تمدن بشری سخن می‌رود، اهمیتی افزون می‌یابد.

کلید واژه‌ها: امت اسلامی، امت وسط، ام‌القری، قبله

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران: khoshmanesh@ut.ac.ir

۱. مقدمه

تعیین مرکزیت دینی و برگزیدن، تربیت و برآوردن امتی از دل آن، آرمان و هدف ادیان توحیدی بوده است و هدف مقاله حاضر، بررسی چندوچون تحقق این آرمان به نسبت امت و شریعت خاتم است و اینکه کتاب شریعت خاتم، یعنی قرآن کریم برای چنین هدفی چه راهی را فرارو نهاده است.

در این باره مقالاتی نظیر «امت» و برخی مشتقات آن نظیر «امت برتر» [۳۲]، [ص ۲۵۴-۲۶۵]، «امت قائمه» [۱، ص ۲۷۶-۲۸۱]، «امت مسلمه» [۷، ص ۲۸۱-۲۸۴]، «امت مقتصد» [۵، ص ۲۸۴-۲۸۷] و «امت وسط» [۸، ص ۲۸۷-۲۹۲] وجود دارد اما در این پژوهش‌ها مفهوم گسترده «وسطیت» - که در قرآن کریم منعکس شده است - و مسئولیت‌های ناشی از آن و نیز نسبت این «وسطیت» با مرکزیت مهم و منحصری که «ام‌القری» است، به طور جامع و کامل بررسی و تبیین نشده است. در مقاله حاضر، این موضوع به شیوه‌ای جدید و ذیل عنوان‌هایی همچون مفهوم فراگیر «وسط» در قرآن، ارتباط «قبله» با مفهوم «حنیفیت» و حق‌گرایی، ویژگی‌های بیت‌الله الحرام - شامل اولویت و تقدم، امن و سکینه الهی، ظرفیت شمول دیانت و معنویت‌گرایی جهانی، ملجأ و مکان بازگشت مردمان، طهارت ظاهری و باطنی ارتباط با «فرجام» موعود - بررسی و به دنبال آن مسئولیت «امت وسط» با توجه به این ویژگی‌ها بازگو شده است.

خداوند متعال، در طول تاریخ دیانت بشر و بسی پیش از پیدایش مرکزیت‌های دینی دیگر، مکانی دیرینه را معین کرده است تا محل «بیت» او و قبله مردمان باشد و شهری که آن بیت را دربرمی‌گیرد، «ام‌القرآ»ی جامعه بشری گردد. از این رو شخصیتی حنیف، حق‌گرا و دعوتگر به سوی آیین فطرت و صراط مستقیم الهی - هموکه پدر امت بسیار گردید و از نسل وی، انسان‌ها و سه دین بزرگ توحیدی از پی هم پدید آمدند - را به برافراشتن پی‌های این بیت فرمان داد. این «بیت» و وادی مورد اشاره، ویژگی‌های مهمی دارد که مجموع آن‌ها، شایستگی، عمق و اصالت آن قبله کهن و پایگاه صلح و سلام جهانی را برای جامعه انسانی رقم می‌زند و سرمایه و اعتبار شاخصی است که امت اسلامی می‌تواند در گفتمان‌های امروزین فرهنگی و تمدنی خود با جهان، از آن بهره ببرد.

چنانچه سوره بقره به دو قسمت فرضی تقسیم شود، تمایزی میان این دو نیمه مشاهده می‌شود. نیمه نخست، دربرگیرنده داستان آغاز پیدایش آدم^(ع) و همسرش و

سپس داستان بنی‌اسرائیل است. در داستان آدم^(ع)، هبوط او به زمین و توبه وی و در داستان بنی‌اسرائیل، گوساله‌پرستی آنان (آیه ۵۴)؛ صید ماهی از طریق شگرد شرعی در روز شنبه (آیه ۶۴)؛ تنوع‌طلبی در خوراک و نارضایتی از مائدة «مَنّ» و «سَلوی» و درخواست خوراک‌هایی همچون سیر، پیاز و عدس و هبوط ایشان از پی آن (آیه ۶۱)، ذبح گاو (آیات ۶۷-۷۳) - که خود مرتبط با داستان خونریزی [سَفک دَم] ی است که پیشتر در سخن فرشتگان (آیه ۳۰) آمده است - جلب نظر می‌کند.

اما نیمه دوم این سوره که به طور تقریبی از آیه صد و بیست و چهار آغاز می‌شود، شامل موضوعات و مفاهیمی متعالی است که نظیر آن‌ها در آیات نیمه نخست مشاهده نمی‌شود. سبب ذکر این مفاهیم، سیر سوره است به سوی موضوع «امام» و از پی آن، برافراشتن بنای بیت الهی و «قبله» و رویدادهای کنار آن و در رأس همه رویدادی که با آینده آن مرتبط است، یعنی ظهور پیامبر خاتم^(ص) و نزول قرآن و از پی آن، ظهور امت شهید (گواه). «امام»، خود شخصیتی حقگرا و مایل به طریق وُسطای فطرت و صراط مستقیم است و دعوت فطرت و آیین اسلام و تسلیم در برابر حق را بنیاد می‌نهد. قرآن کریم وجود این جهات را در شخصیت آن انسان الهی چنین خاطر نشان می‌سازد: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا» (بقره: ۱۲۸)؛ «وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (بقره: ۱۳۰)؛ «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمِ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (بقره: ۱۳۱) و سپس امت‌های پس از وی را به پیروی از این امام مکلف می‌کند: «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (بقره: ۱۳۵).

در ادامه این نیمه همچنان نکات زیر قابل توجه است: تشریح و تفصیل احکامی نظیر قصاص، روزه، حج، جهاد، نکاح، ذکر داستانی دیگر از «بنی‌اسرائیل» که متمایز از داستان‌های عهد بردگی و بیگاری آنان در زیر شکنجه‌های سخت فرعون - مذکور در نیمه نخست - است و این بار [در نیمه دوم] با موضوع جانشینی بعد از موسی و «وصایت و امامت» پیوند می‌خورد (آیات ۲۴۶-۲۵۲)؛ «آیه‌الکرسی» (آیه ۲۵۵) که از گستردگی «کرسی» الهی بر آسمان‌ها و زمین و از «حیات» و «قیومیت» الهی و تقابل ولایت «الله» و ولایت «طاغوت» سخن می‌گوید، داستان‌هایی از مُحَاجَّة حضرت ابراهیم^(ع) با «طاغوت» زمان خود و آیات اوامر و نواهی اقتصادی مربوط به انفاق و ربا (آیات ۱۸۳-۱۸۹، ۱۹۵-

۲۰۳، ۲۶۰-۲۸۳) و این موارد، بخش‌هایی دیگر از ظرفیت‌ها و رسالت‌های «امت وسط» در دنیای امروز است.

۲. مفهوم فراگیر «وسط» در قرآن

قرآن کریم، مفهوم «وسطیت» را تنها در باره «امت وسط» و به صورت مفهومی صرفاً انتزاعی به کار نبرده است بلکه از جریان این حقیقت در تمام هستی سخن گفته و بدان تنبیه داده است چنانکه ذات خداوندی را نور آسمان و زمین خوانده و مثل نور او را به سان چراغدانی دانسته است که در آن چراغی باشد و آن چراغ درون حبابی شفاف و درخشنده باشد که گویی ستاره‌ای فروزان است؛ این «چراغ» با روغنی افروخته می‌شود که از درخت پربرکت زیتون گرفته شده است، زیتونی که نه شرقی است و نه غربی (نور: ۳۵) و این تمثیل، درختی را می‌نماید که در وسط باغ قرار دارد و نور و هوا و آب از هر سو به صورت مساوی بدان می‌رسد... [۲۳، ج ۳، ص ۳۴۵؛ ۱۱، ج ۱، ص ۳۴۲]. ذات خداوندی به تصریح قرآن کریم، ناصیه هر جنبنده‌ای را در قبضه قدرت خود گرفته است و به سوی خود می‌کشاند زیرا او بر «صراط مستقیم» سیر و تکامل هستی است: «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (هود: ۵۶). به تعبیر امیر مؤمنان^(ع) در باره این آیه، خداوند بر حق است و بدی و خوبی را به تناسب جزا می‌دهد و عفو و غفران را نیز نصیب هر که بخواهد می‌کند [۳، ص ۱۴۱۶: ۳، ۱۱۵].

پیامبر اکرم^(ص)، دعوتگر به سوی همین «صراط مستقیم» است و این صراط، خداوندی است که هرآنچه در آسمان و زمین است از آن و «صیوروت» تمام امور هستی به سوی اوست. این نکته و دیگر نکات مزبور در قرآن کریم که همچنان با موضوع «ام‌القری» ارتباط دارد در سوره شوری این‌گونه آمده است: «كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (شوری: ۳)؛ «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ» (شوری: ۴)؛ «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (شوری: ۵۲)؛ «صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (شوری: ۵۳). بنا بر تصریح تفاسیر معتبر، مراد از «من حولها» در این آیات عموم مردم زمین است [۱۸، ج ۹، ص ۱۴۵؛ ۲۳، ج ۴، ص ۳۶۷].

۳. ارتباط «قبله» با مفهوم «حنیفیت» و حق‌گرای

از آنجا که «قبله»، رمز «اقبال» به خدا و استقبال از اوامر اوست، با شخصیت حنیف و حق‌گرای حضرت ابراهیم پیوند خورده است و این نکته نیز در قرآن به روشنی دیده می‌شود زیرا خداوند منشأ حق و عدالت است و حق چیزی است که «او» تعیین می‌کند «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ» (بقره: ۱۴۷؛ آل عمران: ۶۰) و آن «حق»ی که از سوی ذات الهی می‌آید، وزن، ملاک و مقیاس سنجش است: «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف: ۸)؛ «وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ» (اعراف: ۹) [۱۳، ج ۱۱، ص ۳۲] و همو شریعت خاتم خود را آیین ابراهیم حنیف^(ع) و دین «قِيمَ قِيم» مبتنی بر «صراط مستقیم» شمرده و فرموده است: «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۱۶۱)؛ «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰ و نیز نک: کهف: ۲).

«حنیف» از ریشه «ح، ن، ف» به معنای گرایش به حق و استقامت است (۲۲، ج ۵، ص ۴۰). این ریشه در قرآن کریم با نام حضرت ابراهیم^(ع) - «پدر امت بسیار»، نخستین «امام»، بانی «اسلام»، بالابرنده پی‌های «بیت‌الله الحرام» در «ام‌القری»، جد عالی پیامبر خاتم^(ص) و صاحب «بیت نبوت» [نک: ۱۲، ص ۵؛ ۴، ص ۶۲] - گره خورده است و از این‌رو ابراهیم^(ع) خود رمز قبله و قبله‌یابی، و «مقام» او مصلائی مردمان قرار داده شده است: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵).

۱.۳. ویژگی‌های بیت‌الله الحرام

ویژگی‌های تأسیس ابراهیمی، چندین مشخصه مهم را برای این بیت نخستین فراهم کرد تا بتواند در مقیاس جهانی و رها از تعصبات قومی و نژادی - در گذر زمان و تا رسیدن به مرحله آخرالزمان - هسته مادر شهرها (ام‌القری) و مرجعیت و مرکزیت مهم جامعه اسلامی و انسانی باشد. برخی از این مشخصه‌ها به شرح زیر است:

۱.۱.۳. اولویت و تقدم

بیتی که پی‌های آن را حضرت ابراهیم^(ع) بالا می‌برد، اولین «بیت» و بنای همگانی است و خداوند متعال آن را «بیت عتیق/کهن» نامیده و بر اولویت دیرینه آن تأکید کرده است: «وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج: ۲۹) «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۶). «مکه» اولین بقعه‌ای است که خداوند متعال از زمین پدید آورده و از همین رو «ام‌القری» نامیده شده است [۳، ج ۴ ص ۸۰۵].

همچنین خداوند در سوره نازعات پس از اشاره به دوران‌های گذشته زمین می‌فرماید: «وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا» (نازعات: ۳۰) و در سوره شمس می‌فرماید: «وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَاهَا» (شمس: ۶). کلمه «دحوالارض/گسترش زمین» از زبان ائمه^(ع) بسیار شنیده می‌شد و آنان چنین روزی را یکی از حوادث بزرگ زمین و الطاف الهی می‌شمردند و به نام این روز که یک دوره طولانی زمین است، روز ۲۵ ذی‌القعدة - زمان آمادگی مردم برای ورود به شهر مکه و موسم حج - را معین کردند تا مسلمانان در آن روز به یاد لطف پروردگار عالم و برای شکرگزاری این نعمت، جشنی به پا سازند و به عبادت و نماز بپردازند.

چون عموم سیر و تحول اصولی خلقت تدریجی است، این گسترش نیز باید تدریجی بوده باشد. اما کدام قسمت از قسمت‌های مختلف زمین را زودتر از قسمت‌های دیگر می‌توان قابل بسط و آماده زیستن دانست؟ بنا بر روایات اهل بیت^(ع) «دحوالارض» از زیر کعبه و از سرزمین مکه شروع شده است [نک: ۱۸، ج ۹، ص ۱۴۵]، بدین معنا که سرزمین مکه قطعه‌ای درخشان بود که پیش از قطعه‌های دیگر از آب ظاهر شده، می‌درخشید و خانه کعبه نیز نخستین خانه‌ای است که به نام خدا و به سود عموم در مکه - نخستین قطعه آماده شده و آباد شده زمین به دست ابراهیم خلیل^(ع) - پایه‌گذاری شد و از روی آن هزاران خانه به نام ذیبر و کلیسا و مسجد در شعاع‌های دور و نزدیک ساخته شد که همه به نام خداست [۱۴، ص ۸].

افزون بر این، دیرینگی بیت «عتیق»، با قوانین طبیعی نیز سازگار است. مطابق محاسبات علمی صورت گرفته در سال ۱۹۷۷ میلادی در برخی دانشگاه‌های کشورهای غیرمسلمان غربی، مکان کعبه مرکزیت خشکی کره زمین است [تفصیل را نک: ۲۹، ص ۳۱].

۲.۳. امن و سکینه الهی

«امنیت» از شرایط اولیه برای شکل‌گیری یک مجتمع انسانی است، و این نکته در مورد مرکزیت جهانی دینی اهمیت بیشتری دارد. برای ریشه‌یابی موضوع امن و سلام و سکینه در ام‌القری، توجه به تاریخ دیانت بشر ضروری است. مطابق تورات، هنگام سرگردانی بنی‌اسرائیل در بیابان و حرکت ایشان به سوی ارض کنعان، خداوند موسی را گفت: «به بنی‌اسرائیل بگو که... مقامی و مقدسی برای من بسازند تا در میان ایشان ساکن شوم» (کتاب مقدس، خروج، ۲۵: ۱-۸). همچنین در تورات، برافراشتن «خیمه» در «تیه» و سپس بنای «هیكل» در قدس، رمز اقامت و سکونت یهوه در میان بنی‌اسرائیل و در نتیجه موجب انزال سکینه بر بنی‌اسرائیل شمرده شده است. این اشاره در ریشهٔ عبری و سپس یونانی نام خیمه نیز نهفته است.^۱ همچنین بنا بر سخن متکلمان مسیحی، خداوند اراده کرد تا با این سکونت و حضور، انسان را پس از گناه اولیه و جدایی ناشی از آن، از نو در قوم خود داخل کند [۳۴، ص ۶].^۲ فعل «سکن» در عربی معادل «شکن» در عبری است و لفظ «خیمه» در لغت عبری از آن مشتق شده است [۳۱، ص ۷۰].^۳ همچنین ریشهٔ بیت‌المقدس و شهر قدس را نیز به همان «خیمه» رسانده‌اند. از این خیمه و محتویات آن به عناوینی چون «خیمهٔ اجتماع» و «چادر جماعت» یاد شده است. افزون بر این، «مسکن» و «خیمهٔ شهادت» ناظر به «شریعت» نگهداری شده در این خیمه و نقش آن در حیات بنی‌اسرائیل و رسالت پیامبران مبعوث به سوی این قوم است [۳۳، ص ۳۶۱-۳۶۲ و ۹۳۱].

۱. در پی سخن فوق، امر الهی برای ساختن «تابوت عهد» یا تابوت «شهادت» نیز آمده است: «و تابوتی از چوب شطیم بسازند... و آن شهادتی را که به تو می‌دهم در تابوت بگذار... و یک کروبی در این سر و کروی دیگر در آن سر بساز. کروبیان را از تخت رحمت بر هر دو طرفش بساز و کروبیان بالهای خود را بر زیر آن پهن کنند و تخت رحمت را به بال‌های خود بپوشانند... و شهادتی را که به تو می‌دهم در تابوت بنه و در آنجا با تو ملاقات خواهم کرد (کتاب مقدس، خروج، ۲۵: ۱۳-۲۲).

۲. بعدها مقامی از این دست به دستگاه کلیسا داده شد: (۲۷، ص ۴۵).

۳. موضوع انزال «سکینه» بر بنی‌اسرائیل در سورهٔ بقره ضمن بیان داستان «تابوت» نیز مورد اشاره قرار گرفته است؛ آنجا که بنی‌اسرائیل از پیامبر پس از موسی^(ع) درخواست «ملک» می‌کنند که با قیادت او به قتال بپردازند، بلکه بتوانند دیار و اموال خود را پس بگیرند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ إِنَّهُمْ أَبْعَثُوا لَنَا مُلْكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۴۸).

بر حسب انجیل یوحنا، «قدس» در مرکزیت کارهای حضرت عیسی^(ع) نیز قرار داشت. یحیی بن زکریا^(ع) [یحیای تعمید دهنده] در منطقه جلیل - واقع در شمال قدس - مبشر آمدن عیسی^(ع) شد. عیسی^(ع) اولین دیدار علنی خود را - که طی آن صرافان را از هیکل طرد کرد- در قدس انجام داد. او برای دومین بار به قدس آمد و طی آن پیشوایان یهودی با وی به محاجّه برخاستند و در دیدار سومین و آخرین، مناقشه میان او و پیشوایان یهود، به اوج می‌رسد و این امر به دستگیری و به صلیب کشیدن او - به گمان یهود و نصارا - می‌انجامد و پس از آن است که عیسی^(ع) دفن می‌شود و پس از سه روز از قبر خویش برمی‌خیزد و به معراج آسمانی می‌رود. از این رو از دیدگاه کلام مسیحی، آمدن عیسی^(ع) به سوی قدس، آمدن او به سوی مهد دینی خود است. قدس پایگاه دیانت یهودی و مرکز ایمان به رسالت‌های انبیا بود و آنچه در باب «خیمه اجتماع» و «هیکل سلیمان» و سکنابخشی آنها وجود داشت، در حیات حضرت عیسی و رسالت او تجسم می‌یابد [نک: ۲۶، ص ۴۸-۴۹]. اورشلیم نیز به صورتی دیگر از آرمان یک شهر مقدس که مرجع مردم و امن و امان الهی باشد، دور افتاد. به نوشته تورات، کشتارهای جمعی و تخریب و سوزاندن شهرها با الهام و فرمان «یهوه» - خدای اسرائیل - زمینه ساختمان اورشلیم و قدس بوده است و داود^(ع) آن را در میان کشتار و آتش و دود پایه‌گذاری کرد و در زمان سلیمان^(ع) کامل و آراسته گردید. در آن هنگام مردمان وحشی و قبایل سرکش، در برابر قدرت سلیمانی تسلیم و عیاران و ولگردان به کار کشیده شدند و متخصصین فنی که مصالح ساختمانی آنها چوب‌های محکم و سنگهای تراشیده پهن و بلند بود، برای بنای ساختمان کاخ‌ها و هیکلی که داود^(ع) تأسیس کرده بود، از هر سو به پایتخت سلیمان^(ع) روی آوردند... اما به تدریج اوهام و خرافات، سحر و شعبده و طلسمات در میان بنی‌اسرائیل و در دربار سلیمان^(ع) و میان زنان حرمسرایش که از ملیت‌های مختلف بودند و با هم رقابت داشتند، شایع شد. تا آنجا که قدرت و سلطنت بی‌مانند و بی‌سابقه سلیمان را معلول طلسم و انگشتر و ساحری سلیمان و تلقینات جنّ می‌پنداشتند [۱۴، ج ۱، ص ۴۲۶-۴۲۸] پس از آن هم، یهودیان این مکان را به معبد قومی و محل خدای خود و مرکز کاهنان و مذبح و مکان بخورات و دودها و مرجع تحلیل و تحریم تبدیل و آئین همگانی و فطری ابراهیم^(ع) را در آن مسخ کردند و آنجا کانون کینه‌ها، عقده‌ها، آزمایش و زور آزمایی، برخوردها و جنگ‌ها و خونریزی و بازتاب‌ها شد [۱۴، ج ۵، ص ۲۴۳] و سرانجام - با توجه به عملکرد بنی‌اسرائیل - مسجد

اقصى، مکان تاخت و تازهای اقوام خون‌ریز شد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا (إِسْرَاء: ۴) فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا (إِسْرَاء: ۵)؛... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا» (إِسْرَاء: ۷).

منطقه ام‌القری به مثابه ذخیره‌ای از امان و زنده‌بار در طول تاریخ در نظر گرفته شد و ابراهیم^(ع) و فرزندش به سوی آن بیابان بی‌آب و آبادانی هجرت کردند و برای قبائل پراکنده و جنگجوی عرب، خانه و زندگی و اجتماع و امنیت فراهم کردند [۱۴، ج ۵، ص ۲۴۳].

قرآن کریم در آیات مختلف، مکه را «بلد آمن و امین» و «حرم آمن» الهی می‌شمارد و در مواضع مختلف، از آیات آغازین عهد مکی گرفته تا آیات سوره‌های مدنی و دارای موضوعات نظامی و امنیتی - مانند سوره‌های انفال و توبه - بر امنیت شهر مکه تأکید دارد و از جمله می‌فرماید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ»؛ «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۳ و ۴) و نیز می‌فرماید: «وَالَّذِينَ وَالَّذِينَ وَالَّذِينَ»؛ «وَأُولَئِكَ سِينِينَ»؛ «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» (تین، ۱-۴).

آنچه در سوره قریش آمده، امتداد سخن سوره فیل در خصوص نابودی پیل‌باران برای حفظ امنیت «بیت‌الله الحرام» است که می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ...» (فیل: ۱). در سوره فجر نیز که در قرآن کریم در کنار سوره بلد است - همان «بلد» امینی که برای همه «امین» و «حرم» و حرام است - نظیر همین سخن و خبر از رفتار الهی با دیگر گردنکشان تاریخ آمده است: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ (فجر: ۶) ... إِنَّ رَبَّكَ لِبَالِمٍ صَادٍ» (فجر: ۱۴). همچنین در سوره عنکبوت که در آن لانه‌اش (بیت‌العنکبوت)، سست‌ترین خانه‌ها نامیده شده و یادآور سستی خانه و بنیاد کسانی است که غیر خدا را یاور و سرپرست گرفتند (عنکبوت: ۴۱)، چنین از «امنیت» مکه و گرداگرد بیت‌الحرام الهی و نامنی بلاد اطراف آن سخن به میان آمده است: «أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ» (عنکبوت: ۶۷).

همچنین در آیاتی از سوره قصص - سوره قبل از این سوره که تفصیل داستان

موسی^(ع) در آن آمده است و پیشتر، از کوشش او برای بنای خیمه اجتماع در بیابان و سپس طرح ناکام او برای بنای دارالسلام الهی در اورشلیم سخن به میان آمد - تصریح مشابه دیگری بر امنیت مکه همراه با یک پرسش تقریبی وجود دارد: «وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطَفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبِّي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (قصص، ۵۷).

کلیدواژه قرآنی «خطف» که در این آیات برای بیان ناامنی سیطره‌مند بر سر دیگر سرزمین‌ها است، در سوره انفال - سوره‌ای دارای مضامین جنگی و نظامی و حاوی بیان تقویت امت نوپای اسلامی - نیز به کار رفته و ناظر به وضعیت ضعف و قلت ظاهری مسلمانان در برابر قدرت‌های بزرگ آن روزگار، یعنی ایران و روم و اتباع آنان است [نک: ۳۰، ج ۷، ص ۱۳۳]. در آنجا خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (انفال، ۲۶).

همچنین «امنیت» این بیت، از جمله دعا‌های خلیل الهی و بنای آن است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابراهیم: ۳۵) و خدای بزرگ هم، چنین از استجاب دعا خلیل خود خبر داده است: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵).

«مثابه» و «امن» بودن بیت، تحقق آرمان دیرینه بشر برای یافتن امن و امانی واقعی و خط زنه‌ار خداوندی برای بازگشت بشرند و امنیت همین «بلد امین» بود که امنیت را به دیگر مرکزیت‌های دینی که دستخوش ناامنی شده بودند، رساند. در زمان بازدید لامارتین، شاعر، سیاستمدار و نویسنده معروف فرانسوی^۱ و یکی از مترجمان زبردست کتاب مقدس، ترکان مسلمانی که تولیت مرقد عیسی مسیح را بر عهده دارند بیش از فرقه‌های مختلف مسیحی که در آنجا حضور دارند، توجه و علاقه او را به خود جلب می‌کنند. او مسلمانان را به صفت «یگانه امتی که به همزیستی دینی احترام می‌گذارد» می‌ستاید. به عقیده او بدون وجود مسلمانان، این مقبره که یونانیان، کاتولیک‌ها و فرقه‌های بی‌شمار کیش مسیح بر سر آن بحث و مشاجره دارند، ممکن بود

1. Alphonse de Lamartine [1770-1832].

صدها بار هدف مبارزه میان این اُمم کینه‌توز و رقیب واقع گردد [۲، ص ۳۱] چنانکه زمانی که اورشلیم به دست مسلمانان افتاد، یهودیان آرامش خوبی یافتند که نظیر آن را در اورشلیم تحت سلطه صلیبیان نداشتند و هرگز نظیر آن را در اروپا - جایی که محدودیت‌ها و تبعیض‌های بسیار در مورد آنان وجود داشت و مشاغل کراهت‌بار و نفرت‌انگیز مانند جمع‌آوری اجباری خراج به آنان سپرده می‌شد - نیز ندیده بودند. یهودیان در امپراتوری بیزانس زمانی می‌توانستند به نیایش دینی خود بپردازند که مالیات بدهند و این مالیات‌ها چنان زیاد بود که بسیاری ناگزیر بودند بین دست کشیدن از بخش مهمی از دین خود یا فروش کودکانشان به بردگی یکی را انتخاب کنند. مطابق قوانین امپراتوری بیزانس، مجازات مرگ در انتظار یهودی‌هایی بود که با مسیحیان ازدواج می‌کردند و یهودیان مانند بدعت‌گذاران و مشرکان، آماج دستجات مهاجم واقع می‌شدند. آنها هر یهودی را که می‌یافتند می‌کشتند و کنیسه‌هایشان را به آتش می‌کشیدند [۲۵، ص ۵۵].

۳.۳. ظرفیت شمول دیانت و معنویت‌گرایی جهانی

در سوره حج، نه تنها مناسک و شعائر حج به صورت آیین‌هایی خشک و محدود بیان نشده، بلکه این فریضه در مقیاس جهانی مورد توجه قرار گرفته است. این سوره با خطاب عام و جهانی «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» آغاز می‌شود و در سرفصل‌های موضوعی (رکوعات) آن نیز این خطاب چندین بار تکرار می‌شود و همین خطاب عام در بخش پایانی آن نیز وجود دارد (آیه‌های ۱، ۷۳ و ۴۹).

از جمله نکته‌های قابل توجه در این سوره، یکی ذکر سرّیان و جریان پرستش در تمام هستی است: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (حج: ۱۸) و دیگری ذکر عامی از پیروان ادیان مختلف توحیدی: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (حج: ۱۷) و نیز پرستشگاه‌های ایشان: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰).

از مقایسه آیهٔ چهل سورهٔ حجّ با آیهٔ دویست و پنجاه و دو بقره «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» به دست می‌آید که انهدام یادگاه‌های الهی، برابر «فساد زمین» است. به عبارت دیگر، اگر «دفع» الله و مجاهدت امت اسلامی (امت شهید) نباشد، حجّ هم وجود نخواهد داشت زیرا اصحاب فیل، در هر عصر و زمان و مکانی حاضرند و قصد آنان نه تنها حجّ و مسجدالحرام و بیت‌العتیق، بلکه تمام مراکزی است که در ادای «ذکر کثیر» الهی مشترک‌اند.

حج، پیمان دینداران در مقابل بی‌دینان و شیاطینی است که در نهایت، وجود هیچ آیین آسمانی را بر نمی‌تابند و به طور تلویحی بر این نکته دلالت دارد که گاه لازم است پیروان ادیان توحیدی در برابر تمامی آن شیاطین با هم متحد شوند. بر این اساس سیاق عبارت «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ» که دو بار در قرآن - یکی در سورهٔ قبل از حج (انبیاء: ۹۲) و دیگری در سورهٔ پس از آن (مؤمنون: ۵۲) - به کار رفته است، نیز پیرامون «وحدت شیعه و سنی» - که اغلب در گردهمایی‌های مرتبط با آن تلاوت می‌شود - نیست و مرتبط با پیروان حقیقی تمامی پیامبران پیشین و محور و مبنای این وحدت نیز تعالیم همان پیامبران است و از این رو این ندای وحدت در سورهٔ انبیاء پس از ذکر سرگذشت‌هایی از رسول گرامی اسلام^(ص) (انبیاء، آیهٔ سه به بعد) و عموم قریه‌های دیگر (انبیاء: ۱۱)، موسی و هارون^(ع) (انبیاء: ۴۸)، ابراهیم^(ع) (انبیاء: ۵۱)، لوط^(ع) (انبیاء: ۷۱)، اسحاق و یعقوب^(ع) (انبیاء: ۷۲)، نوح^(ع) (انبیاء: ۷۶)، داود و سلیمان^(ع) (انبیاء: ۷۸)، ایوب^(ع) (انبیاء: ۸۳)، اسماعیل و ادريس و ذالکفل^(ع) (انبیاء: ۸۵)، ذالنون^(ع) (انبیاء: ۸۷)، زکریا^(ع) (انبیاء: ۸۹)، یحیی^(ع) (انبیاء: ۹۰) و مریم^(س) (انبیاء: ۹۱) آمده است همچنان که در سورهٔ مؤمنون نیز این آیه پس از ذکر سرگذشت نوح^(ع) (مؤمنون: ۲۳)، پیامبری دیگر پس از وی بدون تصریح نام (مؤمنون: ۳۲) و پیامبران دیگری مانند موسی و هارون^(ع) (مؤمنون: ۴۵)، عیسی بن مریم^(ع) (مؤمنون: ۵۰) و سرانجام با خطاب به امت‌های همهٔ انبیاء^(ع) آمده است [نیز نک: ۳۰، ج ۱۳، ص ۴۹۸؛ ۲۲، ج ۱۵، ص ۲۶۶].

قرآن مجید، معارف دیگر کتب آسمانی را نیز در خود گرد آورده است: «وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ» (شعرا: ۱۹۶) و این ظرفیت را دارد که از پیروان ادیان آسمانی - با حفظ کرامت آنان - امت واحد‌ای تشکیل دهد. امت اسلامی نیز - چنانکه خواهد آمد - دارای ظرفیت شهادت و گواهی بر دیگر امم است و خانهٔ کعبه نیز با داشتن رتبهٔ «مَثَابَةٌ

لِلنَّاسِ وَأُمَّنًا»، می‌تواند به مفهوم ام‌القری و دیگر آرمان‌های گمشده آرمان‌شهر [نک: ۲۴، ص ۷، ۱۳] عینیت ببخشد.

۴.۳. ملجأ و مکان بازگشت مردمان

کلمه «مثابه» در آیه صد و بیست و پنج بقره، از ریشه «ثوب» - قریب به ریشه «توب» - و به معنای محل بازگشت مردمان و مأوا و مثنوی همگانی ایشان و طواف جسمی و سپس روحی و فکری و معنوی بر حول محور «بیت» است. برای این ریشه، معانی گسترده‌ای ذکر شده است که اصل آنها همان توبه و بازگشت روحی و فکری و معنوی است و بلاغت آیه تمامی آنها را دربرمی‌گیرد [۱۷، ج ۱، ص ۲۸۰؛ ۱۳، ج ۲، ص ۱۳۸].

قبله، الهام‌بخش تفکرها، هدفها، امیدها، دعوت‌ها و تعالیم است. آنگاه که پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان به مدینه هجرت کردند، اصول رسالت اسلام و پیوستگی آن با رسالت‌های گذشته ابلاغ شده بود و انذار و دعوت آن حضرت از حدود خانواده - «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴) - و اهل مکه - «لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا» (شوری: ۷) و عرب فراتر رفته و باید به همه مردم دنیا ابلاغ می‌شد تا آیین جهانی و «وسط» او بر دنیا پرتو افکند و خود ناظر و گواه آن و همچنین امت اسلامی باشد: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره: ۱۴۳) و از آن پس بیت المقدس که مرکز قدرت و سلطنت پیامبران بنی‌اسرائیل و محدود به مرزها و الهامات و تعالیم قومی بود و خون‌های فراوان در پای آن ریخته شده بود، دیگر نمی‌توانست قبله الهام‌بخش و جاذب اسلام باشد [۱۴، ج ۲، ص ۶].

طرح این «ام‌القری» و «اولین خانه همگانی»، هزاران سال پیش از پی‌بردن بشر به مفهوم و ضرورت «متروپل» - مأخوذ از metropolis لاتینی و پیشتر، از یونانی به معنای «مادرشهر» با دو ترکیب mêtêr (مادر) و polis (شهر) که استعمال آن در زبان فرانسه برای اولین بار در سال ۱۶۷۱ میلادی بوده است [۳۵، ص ۶۱۵] - توسط ابراهیم خلیل (ع) اجرا شد تا از کنار آن نسخه رشد جهانیان و راه رسیدن بشریت به قسط و عدل ظاهر شود.

۵.۳. طهارت ظاهری و باطنی

ابراهیم خلیل (ع)، پیش از آنکه «خداکده‌ها»ی بابل و فلسطین و جاهای دیگر سر بر کنند،

مأموریتی عظیم از جانب خداوند متعال داشت و آن عبارت بود از انتقال مرکزیت دینی از بابل طغیانگر و «هلال خصیب بین‌النهرین» به وادی «خالی از کشت‌اغیر ذی زرع» برای برپاداشتن نماز و نیایش و روی برگرداندن به سوی قبله جهانی توحید. قرآن کریم از این مأموریت الهی چنین سخن می‌گوید: «وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (حج: ۲۶) و واگویه امتثال این فرمان در نجوا و نیایش «پیر مناجات» - حضرت خلیل‌الرحمن - را چنین بیان می‌فرماید: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم: ۳۷).

همچنین خداوند با ابراهیم^(ع) و اسماعیل^(ع) عهد کرد تا خانه کعبه را از هرگونه آلودگی مادی و معنوی و ظاهری و باطنی پاکیزه گردانند تا در آنجا، فضایی معنوی و روحانی برای معتکفان، راکعان و ساجدان فراهم آید. (بقره: ۱۲۵) از این رو بنای بیت بر تطهیر بوده است نه اینکه تطهیر بعد از ساختن آن باشد [۲۲، ج ۳، ص ۲۴]. اما خانه‌ای که بنیان توحید به دست ابراهیم خلیل^(ع) در آن بنا نهاده شد، و شهری که دور از آلودگی‌ها و هیاهوهای بین‌النهرین و کناره مدیترانه - سرزمین تین و زیتون و طور سینین - شکل گرفته بود [۹، ص ۲۸]، به تدریج مأوای آلودگی‌های فکری و روحی شد. قبایل عرب که شیوخ و سران قبیله مرجع امور آنان بودند و زندگی آنان مبتنی بر اصول قبیله‌ای و نژادی بود، بت‌های فراوانی را داخل یا خارج کعبه نصب کردند و جهان‌بینی و عقیده ناقص آنان بر اساس آن شکل گرفت و خانه ابراهیم^(ع) مرکز چند صد بت گردید که هریک به قبیله و تیره‌ای منتسب بود [۱۶، ص ۳]. مردم خانه‌های خود را در حریم حرم الهی ساختند و خانه‌هایی را نیز برای خدایان به وجود آوردند که خود خانه‌هایی مقدس به شمار می‌رفتند و بت‌های بسیاری در آن وجود داشت. منابع تاریخی به نام برخی از این بت‌خانه‌ها اشاره کرده‌اند مانند: بیت-العزی، بیت‌اللات، بیت‌رثام و سعیده. از سوی دیگر نام یا موقعیت برخی از این خانه‌ها چنان بود که به نوعی هم‌اوردی با کعبه را می‌رساند مانند «کعبه سنداد» و «ذی‌الکعبات» که قبیله ربیع در زمان جاهلیت، آیین حج را در این خانه برپا می‌کرد [۲۰، ص ۲۸۸-۲۸۹]. همچنین «بساء» نام خانه‌ای بود که از سوی غطفان در برابر کعبه ساخته شده بود [۲۰، ص ۲۸۸-۲۸۹].

بنابر این دعوت پیامبر خاتم^(ص)، مرحله جدیدی از تطهیر بیت از آلودگی‌های ثنویت و وثنیت بود.

۶.۳. ارتباط با «فرجام» موعود

ویژگی دیگر ام‌القری، آن است که محل ظهور موعود ادیان و آغاز مرحله پایانی هدایت بشر در زمان حسیض هبوط و سرگشتگی و پر شدن زمین از ظلم و جور است. آن آخرین ذخیره سلسله نبوت آمد تا حج ابراهیمی حج محمدی شود؛ پس از آن حج محمدی، حج حسینی شود و به عاشورا - روز فدیة به ذبح عظیم و تضحیه بزرگ پیوند بخورد. در کنار همین بیت بود که سجاد^(ع) فرزند حسین بن علی^(ع) آمد تا مجد و عزت او در قلب امت، خاری در دیدگان هشام بن عبدالملک - آن شاخه برآمده از شجره ملعونه^۱ - شود. جعفر بن محمد صادق^(ع) در کنار همین بیت، با پیروان ادیان و نحله‌های گوناگون به گفتگو نشست و خداوند متعال مقرر فرمود تا مهدی امت نیز از کنار همین بیت ظهور کند [نک: ۱۹، ص ۴۵۳] و حج ابراهیمی به حج مهدوی منتهی شود. استمرار امامت جانشینان رسول الله^(ص) تا مراحل نهایی در تاریخ تکامل انسانی به صورت یک انسان زنده در میان انسانها، نمودی از استمرار «شهادت» پیامبر اعظم^(ص) بر انسان‌ها است.

۴. مسئولیت امت وسط

رونق خانه خدا از زمان ابراهیم خلیل^(ع)، سرفصل نوینی در تاریخ توحید و دیانت بشری است و به واسطه آن بسیاری از احکام و فرایض تشریح شد و به مدد مجموع آنچه با ظهور پیامبر خاتم^(ص) پدید آمد، امت اسلامی توانست این ظرفیت را بیابد که «امت وسط»، یعنی «امت شهید» بر مردم جهان شود. قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (۱۴۳: بقره).^۲

این مسئولیت عظیم، یعنی مسئولیت شهادت بر مردم در پایان سوره حج - کنگره

۱. برگرفته از آیه: «وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنَخَوْفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» (اسراء: ۶۰).

۲. همان‌گونه [که قبله شما، یک قبله میانه است] شما را نیز، امت میانه‌ای [در حد اعتدال، میان افراط و تفریط] قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است.

همگانی توحید - نیز مورد تأکید قرار گرفته و همچنان با نام ابراهیم حنیف^(ع) و رکوع و سجود و عبادت پیوند خورده و «حق جهاد» نیز شرط آن مقام رفیع شمرده شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعِبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۷۷) وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (۷۸: حج)^۱

۱.۴. مفهوم شهادت

در قرآن مفهوم «شهید» و «شهادت» از ذات خداوندی آغاز می‌شود: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۱۸)^۲. مطابق این آیه، پس از شهادت و گواهی خداوند و فرشتگان، نوبت به شهادت انبیا و اولیای الهی می‌رسد. همچنین پیامبر اکرم^(ص) (شهید/ شاهد) و گواه اولیا و انبیای دیگر و در نهایت شاهد بر امت خود و امت او نیز شاهد امم دیگر است و اهل بیت نبی^(ص) خاتم در این بین نقشی ویژه و بزرگ بر عهده دارند.

شهادت به معنای ناظر، نمونه و سپس گواه بودن است و شهادت امت اسلامی یعنی الگو شدن همه‌جانبه. به بیان دیگر امت اسلامی باید به مدد آنچه از طریق تزکیه و تعلیم محمدی و وحی قرآنی دارد، امر دین و دنیای خود را به گونه‌ای تنظیم کند که برای این اسوه شدن، لیاقت و قابلیت داشته باشد. «امت وسط» و «امت شهید»، همان امت عاری از افراط و تفریط و به تعبیر قرآن کریم «خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل عمران، ۱۱۰) و امت «أَعْلُونَ» (محمد، ۳۵) است و کمال این آرمان و ضمان جهانی

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر پروردگارتان رکوع و سجود کنید و پروردگار خود را بپرستید، و کار خیر انجام دهید باشد که رستگار شوید. و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید. او شما را برگزید و در دین [اسلام] کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتاب‌های پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما گواهان بر مردم.

۲. خداوند [با ایجاد نظام واحد جهان هستی]، گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش [هر کدام به گونه‌ای بر این مطلب] گواهی می‌دهند؛ در حالی که [خداوند در تمام عالم] قیام به عدالت دارد؛ معبودی جز او نیست که هم توانا و هم حکیم است.

آن، حضور پیامبر اعظم^(ص) و اهل بیت او در پیرامون خانه خدا و نزول وحی نامه نهایی بود تا رقابت (مراقبه) و «شهادت» او بر امت و جامعه انسانیت همانند حضرت عیسی بن مریم^(ع)، محدودیتی نداشته باشد: «وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (مائده: ۱۱۷)

در روایتی، عبدالله بن مسعود می‌گوید: «پیامبر اکرم^(ص) به من فرمود تا آیاتی را بر وی بخوانم و من آیات سوره نساء را بر ایشان خواندم تا به این آیه رسیدم: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء: ۴۱) و پیامبر^(ص) پس از استماع آیه اخیر به من فرمود: «کافی است» و دیدم که دیدگان ایشان سرشار از اشک شد [۲۸، ۹۲، ص ۲۱۶].

امت وسط از دیدگاه مفسران پیشین، امتی است که از افراط مشرکان و بت پرستان در لذت‌ها و شهوت‌ها و تفریط نصاری در رهبانیت و ترک دنیا، برکنار است و این برداشت، هرچند خالی از دقت نیست اما با مضمون آیه تطابق کافی ندارد [۱۷، ج ۱، ص ۲۳۰]. مطابق روایات متعددی از ائمه^(ع)، «امت وسط» و شهدا، همان حجت‌های الهی بر مردم‌اند [نک: ۳، ج ۱، ص ۲۴۳] و پیامبر^(ص) و ائمه^(ع)، مصادیق اتم آن هستند. پس «امت وسط»، از آن رو «امت شهید» نامیده شده که حامل این «شهدا» و گواهان بزرگ است [۱۷، ج ۱، ص ۲۳۱].

چنانکه اشاره شد، این «شهادت» در درجه اول در وجود آن شهید و شاهد بزرگ، یعنی رسول خاتم^(ص) تجلی می‌کند و پس از او می‌تواند به دیگران نیز برسد. در اختیار داشتن کتابی که «شهادت‌نامه»، «سند شهادت» و «گواهی گواهی» است، مایه امید و در عین حال مسئولیت بسیار است. قرآن کریم - سندی که تبیان کُل شیئی، هدایت، رحمت و بشارت برای مسلمانان است - برانگیختن «شهید» و «شاهد»ی از هر امت و شاهد آوردن رسول اکرم^(ص) بر آنان را از وقایع روز قیامت می‌داند: «وَيَوْمَ نُبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹) ^۱ و پس از یادآوری این حقیقت، سه امر و سه نهی الهی، به عنوان کلیت برنامه جامعه بشری و

۱. [به یاد آوردن] روزی را که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنها برمی‌انگیزیم و تو را گواه بر آنان قرار می‌دهیم! و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت، رحمت و بشارت برای مسلمانان است!

دستورالعمل اصلاح، چنین بیان می‌شود: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰).^۱

نتیجه‌گیری

۱. در این مقاله راه طولانی تعیین مرکزیت دینی شریعت خاتم و اوصاف و مسئولیت‌های آن که بر اساس حکمت الهی بود، بیان شد که اوصاف مذکور، مسئولیت امت اسلامی و ظرفیت‌های عظیم آن را در جهان امروز نشان می‌دهد.

۲. تعبیر «امت وسط» که در سوره بقره خطاب به امت پیامبر خاتم [ص] آمده است، با موضوعات متعدد دیگری از جمله «کعبه»، «ام‌القری»، «حضرت ابراهیم (ع)» و «شهادت امت اسلامی بر مردم» پیوند دارد و نتیجه آن، ایجاد ابعاد و ظرفیت‌هایی است که بخشی از عوامل فراگیری و جهانشمولی اسلام‌اند.

۳. در زمان حاضر، امت اسلامی باید با تمرکز بر همین اصول و آموزه‌ها، خطاب و گفتمان خود را با جامعه بشری تنظیم کند و در اندیشه شالوده‌افکنی تمدن اسلامی و استحکام آن باشد.

۴. برافراشته شدن پی‌های بیت الهی در سرزمین مکه به دست ابراهیم خلیل (ع) و تطهیر آن، همه برای درافکندن طرحی بزرگ و بلند برای آینده پرستش و جامعه بشری بود تا بر اساس آرمان و آیین حنیف، امتی به دور از افراط و تفریط و برخوردار از شایستگی «شهادت» و گواهی بر مردم جهان، در آن پدید آید.

۵. امروزه وادی ام‌القری، به جای آنکه مرکز شاخص امن و سلام جهانی باشد و ثروت و امکانات آن در مسیر صلح فراگیر صرف شود، محل صدور کمربندهای انتحاری و بسته‌های انفجاری شده است. روشن است که این روش‌های نادرست، تصویر بسیار زنده‌ای از آیین وسط و شریعت سهله سمحه اسلامی به جهانیان ارائه می‌کند. از این رو اصلاح این وضع و بازگشت خانه خدا به موضع «مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا» و پایگاه جهانی «امت وسط» - با اوصافی که قرآن کریم برای آن ارائه کرده است - باید مورد مطالبه عموم مسلمانان و نخبگان جهان اسلام باشد. از سوی دیگر همانگونه که قرآن کریم در

۱. خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید!

خصوص بهره‌مندی از برکات حج در زمان محصور بودن می‌فرماید: «فَإِنْ أَحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» (بقره: ۱۹۶)، در زمانی با شرایط کنونی تحقق این آرمان با ایجاد همبستگی و از دیگر نقاط جهان اسلام نیز امکانپذیر است و مقید به مکان فیزیکی سرزمین ام‌القری نیست و «امت وسط» هنوز برای نیل به آرمان‌های بلندی که برای او ترسیم شده است، راه زیادی را در پیش دارد.

کتابشناسی

- [۱]. افتخاری، عبدالحسن (۱۳۸۵). *امت قائمه، دائرةالمعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب.*
- [۲]. باسان، فرنان؛ *شاتوبریان، لامارتین؛ نروال، فلوبر (۱۳۸۱)*. در سرزمین قدس. ترجمه محمد زیار، تهران، مشتاق دانش.
- [۳]. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن، قم، بعثت.*
- [۴]. خزائلی، محمد (۱۳۷۸). *اعلام قرآن، تهران، امیرکبیر.*
- [۵]. خوش‌منش، ابوالفضل (۱۳۸۵). *امت وسط، دائرةالمعارف قرآن کریم، قم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.*
- [۶]. دورانت، ویلیام جیمس (۱۳۸۵). *شهر خدا، ساوونارولا و جمهوری. ترجمه کوروش زعیب، تهران، ایران‌مهتر.*
- [۷]. دیبا، حسین. (۱۳۸۵). *امت مسلمه. دائرةالمعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم.*
- [۸]. ربانی، سید جعفر. (۱۳۸۵). *امت وسط. دائرةالمعارف قرآن کریم، قم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.*
- [۹]. رحمانی، شمس‌الدین. (۱۳۷۱). *لولای سه قاره. تهران، حوزه هنری.*
- [۱۰]. رواسانی، شاپور (۱۳۸۰). *نادرستی فرضیه نژادی آریا، سامی و ترک. تهران، اطلاعات.*
- [۱۱]. شبر، سید عبدالله (۱۴۱۲ق). *تفسیر شبر. بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر.*
- [۱۲]. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۹۸). *نشر طوبی. اسلامیه، تهران.*
- [۱۳]. صادقی، محمد (۱۴۱۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة. قم، فرهنگ اسلامی.*
- [۱۴]. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۰). *پرتوی از قرآن. تهران، شرکت سهامی انتشار.*
- [۱۵]. ----- (۱۳۶۰). *حج. تهران، ناس.*
- [۱۶]. ----- (؟). *بعثت. تهران، ناس.*

- [۱۷]. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. اسلامی، قم.
- [۱۸]. طوسی، محمدبن حسن (؟). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۱۹]. ----- (۱۴۱۱ق). *الغیبة*. قم، مؤسسه معارف اسلامی.
- [۲۰]. العلی، صالح احمد [۱۳۸۴]، *عرب کهن در آستانه بعثت*، ترجمه هادی انصاری، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به انتشارات امیرکبیر.
- [۲۱]. فراهیدی، خلیل‌بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. قم، هجرت.
- [۲۲]. فضل‌الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق). *تفسیر من وحی القرآن*. بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر.
- [۲۳]. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). *الصادق*. تهران، صدر.
- [۲۴]. کریشنان، رادا (؟). *ادیان شرق و فکر غرب*. تهران، مختار.
- [۲۵]. کوریک، جیمز آ. (۱۳۸۳). *امپراتوری بیزانس*. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.
- [۲۶]. گرن، م. رابرت؛ دیوید ترسی (۱۳۸۵). *تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس*. ترجمه ابوالفضل ساجدی (به همراه نقد و تطبیق با قرآن)، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- [۲۷]. لین، تونی (۱۳۸۰). *تاریخ تفکر مسیحی*. ترجمه روبرت آسریان، تهران، فرزانه.
- [۲۸]. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. دارالوفاء، بیروت.
- [۲۹]. مدرس، علاء‌الدین (۲۰۰۷م). *فی آفاق عولمة اللغة و التاریخ وفق المنظور القرآنی و مسطرتة*. اردن، عالم الکتب الحدیث.
- [۳۰]. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران، اسلامیه.
- [۳۱]. ملوخی، مظهر؛ امل الملوخی، اکرام لمعی؛ نور العربی (۲۰۰۴م)، *قرائة صوفیة فی انجیل یوحنا*، مقدمه: رضوان السید و محمد یاسر شرف، دارالجیل، بیروت.
- [۳۲]. نصیری، علی (۱۳۸۵). *دائرة المعارف قرآن کریم*، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم.
- [۳۳]. هاکس، جیمز (۱۳۷۷). *قاموس کتاب مقدس*. تهران، اساطیر.
- [34]. Breplos/Verbum Bible, *Petit dictionnaire de la Bible*, Coordination de Joseph Longton et Ferdinand Poswick, Diocèse Rottenburg-Stuttgart, 1996.
- [35]. Dubois, Jean, Henri Mitterend et Albert Dauzat, *Grand dictionnaire étymologique et historique du français*, Larousse, Paris, 2001.
- [36]. *Manuel biblique*, Centre protestant d'Éditions et de diffusion, Kinshasa, 1991.